

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل			
پیااده‌سازی	تصحیح و ویرایش اولیه	ذکر مأخذ	ویرایش دوم
تکمیل مأخذ و ویرایش نهایی			

بهشت نقد

یک روایت از موسی بن بکر. می‌گوید: «كُنَّا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ» ما در حضور امام صادق علیه السلام بودیم. «فَقَالَ رَجُلٌ فِي الْمَجْلِسِ أَسْأَلُ اللَّهَ الْجَنَّةَ» کسی از حضار مجلس عرض کرد: من از خدا بهشت را می‌طلبم و درخواست می‌کنم. «فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْتُمْ فِي الْجَنَّةِ فَاسْأَلُوا اللَّهَ أَنْ لَا يُخْرِجَكُمْ مِنْهَا» امام صادق علیه السلام فرمودند: شما همین الآن در بهشت هستید. اگر می‌خواهید دعا کنید، دعا کنید که خدا شما را از بهشت بیرون نبرد؛ و الا شما همین الآن در بهشت هستید. «فَقُلْنَا جُعِلْنَا فِدَاكَ نَحْنُ فِي الدُّنْيَا» ما به امام صادق علیه السلام عرض کردیم: یا بن رسول الله! ما الآن در دنیا ایم. کجا در بهشتیم؟! «فَقَالَ أَلَسْتُمْ تُقَرُّونَ بِإِمَامَتِنَا» امام صادق علیه السلام فرمودند: آیا شما به ولایت و امامت ما اقرار ندارید؟ «قَالُوا نَعَمْ» همه‌ی جمعیت عرض کردند: آری، ما به امامت شما معتقد هستیم. «فَقَالَ هَذَا مَعْنَى الْجَنَّةِ الَّتِي مَنْ أَقَرَّ بِهِيَ كَانَ فِي الْجَنَّةِ» امام صادق علیه السلام فرمودند: معنای بهشتی که شما دنبال آن هستید، همین بهشت ولایت است. هرکس به امامت و ولایت ما اقرار کند، فی الواقع «فِي الْجَنَّةِ» است. «فَاسْأَلُوا اللَّهَ أَنْ لَا يَسْلُبَكُمْ»^۱ از خدا تقاضا کنید که این ولایت را از شما سلب نکند و شما از توفیق اقرار، اعتقاد و باور نسبت به امامت و ولایت ما اهل بیت محروم نشوید و گرنه اصل بهشت، اعتقاد به ولایت ماست.

امیدواریم خدای متعال چشم‌ها را باز کند تا بتوانیم همین جا بهشت ولایت و امامت را که اعظم جنات الهی است، ببینیم؛ چون ممکن است فرد چیزهای خیلی گرانبهایی را هم داشته باشد؛ اما یادش رفته

^۱ مجلسی، بحار، ج ۶۵، ص ۱۰۲ و برقی، محاسن، ج ۱، ص ۱۶۱.

باشد و یا خبر نداشته باشد؛ لذا بهره و لذتی از آنها نمی‌برد. همین‌الآن فرض کنید بدون اینکه شما خبردار شوید، الماس بسیار گران‌قیمتی را کنار کیف یا جیب شما بگذاریم. شما نمی‌دانید که آن را به شما داده‌ایم؛ پس لذتی نمی‌برید. ولو اینکه الآن در اختیار شماست؛ ولی از داشتنش لذتی نمی‌برید. چه زمانی لذت می‌برید؟ وقتی که خبردار باشید چه چیز گران‌قیمتی به شما داده شده است. پس معرفت، پی‌بردن و کشف چیزهای ارزشمندی که به ما عنایت شده است، سبب بهره‌مندی ما از آنهاست؛ و الاّ داریم، ولی استفاده‌ای از آن نمی‌کنیم! چه‌بسا انسانی گنج عظیمی دارد؛ اما چون خبر ندارد و فراموش کرده است، با فقر زندگی می‌کند.

امیدوارم خدا توفیق دهد با رهپویی در مسیر اهل‌بیت علیهم‌السلام، همین‌جا بهشت ولایت را ببینیم. اهل‌ولایت همین‌جا در بهشتند. باید این بهشت را کشف کنند، ببینند و مشاهده کنند. پس از آن ببینم کسی غصّه و غمی برایش می‌ماند؟! مگر غیر از این است که قرآن در مورد بهشتیان می‌فرماید: آنها هیچ حزن، اندوه و غصّه‌ای ندارند^۲. اگر دیده‌ی معرفت باز شود و آن بهشت را ببینیم، مگر غصّه، حسرت و اندوهی باقی می‌ماند؟ همه‌ی اهل‌ولایت غرق شادی و وجد خواهند شد؛ منتهی با اینکه آن را داریم؛ ولی چون ندیده‌ایم و از وجود آن خبر نداریم، چه‌بسا خدای نکرده اسیر غصّه، حسرت، افسردگی و امثال آن شویم. این روایت بسیار زیبایی است که امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «**أَنْتُمْ فِي الْجَنَّةِ**» شما همین‌الآن در بهشتید. خدای‌متعال را شاکر باشیم که نعمت ولایت را بی‌هیچ زحمتی نصیب ما کرده است.

^۲. سوره‌ی آل‌عمران، آیه‌ی ۱۷۰.

روایت‌هایی از اهل سنت در شأن امیرالمؤمنین علیه السلام

یکی، دو روایت هم در شأن امیرالمؤمنین علیه السلام از اهل سنت بخوانم.

برات نجات و سؤال قیامت

محب‌الدین طبری از علمای اهل سنت است و از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله حدیث نقل کرده است که: «إِذَا جَمَعَ اللَّهُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» وقتی خدا در روز قیامت همه‌ی خلق اولین و آخرین را جمع می‌کند؛ «و نَصَبَ الصِّرَاطِ عَلَى جِسْرِ جَهَنَّمَ» و پل صراط را بر روی جهنم نصب می‌کند؛ ("صراط" پلی است که از روی جهنم عبور می‌کند و به بهشت منتهی می‌شود و همه‌ی خلائق باید از روی آن عبور کنند. گروه زیادی از سمت راست یا از سمت چپ در داخل دوزخ فرو می‌افتند و در می‌غلتنند و جمعی هم به سلامت این مسیر را طی می‌کنند و به بهشت وارد می‌شوند). پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: وقتی خدای متعال خلق اولین و آخرین را در قیامت جمع می‌کند و پل صراط را هم بر روی دوزخ نصب می‌کند؛ «لَمْ يَجْزُهَا أَحَدٌ إِلَّا مَنْ كَانَتْ لَهُ بَرَاءَةٌ بِوَلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ»^۳ احدی نمی‌تواند به سلامت از روی این پل عبور کند، مگر اینکه از دست امیرالمؤمنین علیه السلام برائتی از آتش دوزخ به او موهبت شده باشد. این حدیث را یک عالم بزرگ سنی می‌گوید! بنابراین راه پیدا کردن به بهشت و دچار نشدن به دوزخ نیازمند این است که امیرالمؤمنین علیه السلام به فرد برائتی از آتش دوزخ عنایت کنند.

آلوسی یک عالم و مفسر بزرگی سنی است و کتاب تفسیری به‌نام تفسیر کبیر "روح المعانی" دارد. این مفسر سنی در تفسیر خود ذیل آیه‌ی «وَقَفَّوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ»^۴ که قرآن می‌فرماید: روز قیامت از جانب خدا ندا می‌آید: اینها را متوقف کنید، اینها باید مورد بازخواست و سؤال قرار بگیرند؛ می‌گوید:

^۳ جوینی، ابواسحاق، فرائد السمطين، ج ۱، ص ۲۹۸ و قندوزی، ینابیع المودة، ج ۱، ص ۳۳۸ و محب‌الدین طبری، احمد بن عبدالله،

الریاض النضرة فی مناقب العشرة، ج ۳، ص ۱۱۶.

^۴ سوره‌ی صافات، آیه‌ی ۲۴.

اقوال مختلفی در مورد معنای این آیه نقل شده است؛ منتهی سزاوارترین و صحیح‌ترین سخن در رابطه با این آیه این است که در روز قیامت از عقاید و اعمال انسان‌ها سؤال می‌شود. آنها را متوقف می‌کنند و از آنها سؤال می‌کنند. بعد خود او می‌گوید: و از همه مهم‌تر و عظیم‌تر قطعاً ولایت علی‌کرم‌الله‌وجهه است؛ یعنی مهم‌ترین چیزی که روز قیامت از آن سؤال می‌شود، ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام است. این حرف یک مفسر بزرگ سنی است!^۵

چند روایت هم از قول علمای سنی در عظمت شخصیت امیرالمؤمنین علیه السلام بخوانم.

علمای بزرگ سنی از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کنند: پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «**أَخْصِمُكَ يَا عَلِيُّ بِالنُّبُوَّةِ فَلَا نُبُوَّةَ بَعْدِي**» یا علی! من در یک زمینه بر تو غالبم و آن این است که من نبی و تو نبی نیستی و بعد از من نبوتی وجود ندارد که کسی بخواهد پیامبر شود. «**و تَخْصِمُ النَّاسَ بِسَبْعٍ لَا يُحَاجُّكَ فِيهَا أَحَدٌ مِنْ قُرَيْشٍ**» اما تو هم در برابر مردم هفت ویژگی داری که بر آنها غالب و از آنها پیش هستی؛ که احدی از قریش نمی‌تواند در آن زمینه با تو مواجه کند و بر تو غلبه پیدا نماید. هفت ویژگی‌یی که به فرموده‌ی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و به نقل عالمان بزرگ سنی سبب شده است امیرالمؤمنین علیه السلام از همه‌ی قریش برتر باشند چیست؟ حضرت فرمودند: «**أَنْتَ أَوْلَهُمْ إِيْمَانًا بِاللَّهِ**» اولین برتری تو این است که تو نخستین کس از مردم قریشی که به «**اللَّهِ**» ایمان آورد. «**وَأَوْفَاهُمْ بِعَهْدِ اللَّهِ**» و وفادارترین و پایبندترین آنها در پیمانی هستی که با خدا بسته‌ای. «**وَأَقْوَمُهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ**» و مقاوم‌ترین و پایدارترین آنها در اوامر الهی هستی. «**وَأَقْسَمُهُمْ بِالسُّوْبَةِ**» و در انصاف و مساوات قائل شدن بین مردم و بی‌طرفانه و یکسان رفتار کردن با آنها، در بین مردم و قریشیان از همه ممتازی. «**وَأَعْدَلُهُمْ فِي الرَّعِيَّةِ**» و در عدالت ورزیدن نسبت به مردمانی که تحت امر تو قرار می‌گیرد، تو برتر از همه‌ی قریش هستی.

۵. آلوسی، روح المعانی، ج ۱۲، ص ۷۸.

«وَأَبْصَرُهُمْ بِالْقَضِيَّةِ» و در عرصه‌ی قضاوت و حکم صادر کردن هم تو بصیرترین افراد قریشی. «وَأَعْظَمُهُمْ عِنْدَ اللَّهِ مَرْيَّةً»^۶ و در مزیت هم نزد خدا از همه‌ی قریش عظیم‌تر و بزرگتر هستی.

من واقعاً نمی‌دانم اهل سنتی که این احادیث را از پیغمبر اکرم ﷺ نقل می‌کنند؛ آن هم فراوان در کتاب‌های مختلف خودشان؛ چگونه حاضرند افضل را کنار بگذارند؛ سراغ کسی که بی‌بهره یا کم‌بهره‌ی از فضیلت است بروند و او را به رهبری برگزینند؟! اهل سنت احادیث فراوانی از پیغمبر اکرم ﷺ نقل کرده‌اند؛ مثلاً نقل کرده‌اند که پیغمبر اکرم ﷺ فرمودند: هرکس دوست دارد مثل من زندگی کند و مثل من بمیرد، باید به ولایت علی بن ابی طالب عليه السلام متمسک باشد. این حدیث را علمای سنی نقل کرده‌اند.^۷ فردای قیامت خدای متعال این احادیث را جلوی اهل سنت می‌گذارد و می‌گوید: با وجود این چیزهایی که خودتان نقل کرده‌اید، چگونه راهی غیر از راه امیرالمؤمنین عليه السلام را برگزیدید و کسانی جز علی عليه السلام را به رهبری انتخاب کردید؟!!

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

^۶ مجلسی، بحار، ج ۴۰، ص ۸۵ و ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغة، ج ۹، ص ۱۷۳ و حافظ ابونعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله، حلیة الاولیاء،

ج ۱، ج ۶۶ و محب الدین طبری، احمد بن عبدالله، الریاض النضرة فی مناقب العشرة، ج ۲، ص ۱۹۸.

^۷ متقی هندی، علاء الدین علی بن حسام، کنز العمال، ج ۶، ص ۱۵۵ و احمد بن حنبل، المسند، ج ۵، ص ۳۲ و حاکم نیشابوری، المستدرک-

علی الصّحیحین، ج ۳، ص ۱۲۸: آنگاه حاکم گفته: این حدیثی است صحیح الاسناد که بخاری و مسلم آن را روایت نکرده اند!

و هم آن را طبرانی در کبیر و ابو نعیم در فضایل صحابه روایت نموده اند و آن حدیث ۲۵۷۷ باشد از احادیث کنز، ج ۶، ص ۱۰۰ و

منتخب کنز، حاشیه ص ۳۲، ج ۵، مسند احمد.